



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



سیرت  
مختصر

چهل حدیث در باب

# اعجاز صلوات



مؤلف: سید محمد  
مطبع: سید محمد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چهل حدیث در باب اعجاز صلوات بر محمد و آل محمد

نویسنده:

محمد شفیعی مازندرانی

ناشر چاپی:

زائر - آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	چهل حدیث در باب اعجاز صلوات بر محمد و آل محمد
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۶	سخن ناشر:
۲۲	اشاره:
۲۴	صلوات کامل و ناقص کدام است؟
۳۴	اهمیت صلوات
۳۴	رفع حسرت با صلوات
۳۷	صلوات در خانه کعبه
۳۸	سبب مهر السنه
۴۰	تقارن صلوات با ذکر خدا
۴۱	شرکت ملانکه
۴۳	استجابت دعا
۴۵	راز شیرینی غسل
۴۶	حکایت
۴۸	برخی از آثار صلوات
۴۸	بهترین ذکر
۵۰	شرایط اظهار حاجت
۵۳	اعجاز صلوات با صدای بلند
۵۵	عامل جلب رضایت خدا
۵۶	نابود کننده سیئات
۵۷	اعجاز نوشتن صلوات

۵۸	فرشتگان حامل صلوات
۵۹	بهترین عمل در جمعه
۶۳	هنگام نگاه به نامحرم و ذکر صلوات
۶۵	سنگین ترین عمل در قیامت
۶۷	باعث سنگینی کفه حسنات
۶۸	روشنایی قبر
۶۹	نور یل صراط
۶۹	مهمان پیامبر در بهشت
۷۱	راز سربلند موسی
۷۱	صلوات در امت های پیش از اسلام
۷۴	خلاصی از دشواری ها
۷۶	قضیه گاو بنی اسرائیل
۸۶	توسل بنی اسرائیل
۸۹	صلوات و رنج شیطان
۹۱	برترین اعمال [پیامی از برزخ]
۹۳	صلوات و رمضان
۹۵	صلوات در روز مبعث
۹۷	موارد و جلوه های مختلف اهتمام به صلوات
۹۷	۱. صدقه زبان
۱۰۱	۲. بخیل ترین مردم
۱۰۲	۳. هنگام بوییدن گل
۱۰۶	۴. پیامبر و اولین منبر
۱۰۹	اعجاز صلوات و نابود شدن گناهان
۱۱۱	اعجاز صلوات و تأمین عافیت و تندرستی
۱۱۲	اعجاز صلوات و اجابت دعا شد و تصفیه اعمال
۱۱۳	بهتر است از دعا

۱۱۴ ..... خاتمه

۱۱۸ ..... نتیجه

۱۲۰ ..... فهرست منابع

۱۳۵ ..... درباره مرکز

## چهل حدیث در باب اعجاز صلوات بر محمد و آل محمد

### مشخصات کتاب

سرشناسه : شفیعی مازندرانی، محمد، 1328 -

عنوان و نام پدیدآور : چهل حدیث در باب اعجاز صلوات بر محمد و آل محمد / سید محمد شفیعی مازندرانی.

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، 1390.

مشخصات ظاهری : 127 ص.؛ 11 × 5/16 س م.

شابک : 7000 ریال: 1-007-180-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. 113-127؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : اربعینات -- قرن 14

موضوع : صلوات -- احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP143/9/ش7چ9 1390

رده بندی دیویی : 297/218

شماره کتابشناسی ملی : 2640536

ص: 1

اشاره







چهل حدیث در باب اعجاز صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

سید محمد شفیعی مازندرانی

ص: 4

## فهرست مطالب

عنوان صفحه

سخن ناشر: ...7

اشاره: ...15

صلوات کامل و ناقص کدام است؟ ...17

اهمیت صلوات... 27

رفع حسرت با صلوات... 27

صلوات در خانه کعبه... 30

سبب مهر السنة... 31

تقارن صلوات با ذکر خدا... 33

شرکت ملائکه... 34

استجاب دعا... 36

راز شیرینی غسل... 38

حکایت... 39

ص:5

- برخی از آثار صلوات... 41
- بهترین ذکر... 41
- شرایط اظهار حاجت... 43
- اعجاز صلوات با صدای بلند... 46
- عامل جلب رضایت خدا... 48
- نابود کننده سیئات... 49
- اعجاز نوشتن صلوات... 50
- فرشتگان حامل صلوات... 51
- بهترین عمل در جمعه... 52
- هنگام نگاه به نامحرم و ذکر صلوات... 56
- سنگین ترین عمل در قیامت... 58
- باعث سنگینی کفّه حسنات... 60
- روشنایی قبر... 61
- نور پل صراط... 62
- مهمان پیامبر در بهشت... 62

راز سربلند موسی... 64

صلوات در امت های پیش از اسلام... 64

خلاصی از دشواری ها... 67

قضیه گاو بنی اسرائیل... 69

توسل بنی اسرائیل... 79

صلوات و رنج شیطان... 82

برترین اعمال [پیامی از برزخ]... 84

صلوات و رمضان... 86

صلوات در روز مبعث... 88

موارد و جلوه های مختلف اهتمام به صلوات... 90

1. صدقه زبان... 90

2. بخیل ترین مردم... 94

3. هنگام بوییدن گل... 95

ص: 7

4. پیامبر و اولین منبر... 99

اعجاز صلوات و نابود شدن گناهان... 102

اعجاز صلوات و تأمین عافیت و تندرستی... 104

اعجاز صلوات و اجابت دعا شد و تصفیه اعمال... 105

بهتر است از دعا... 106

خاتمه... 107

حکمت تأکید صلوات... 107

پاسخ به یک پرسش... 107

نتیجه... 111

فهرست منابع... 113

ص: 8

سخن شما اهل بیت ، نور است.

زیارت جامعه کبیره

بر آستان احادیث اهل بیت ، عقل خضوع می کند دل خشوع می یابد و روح سیراب می شود . احادیث نورانی ائمه اطهار، منشوری است که حکمت‌های قدسی و معارف ناب الهی را بر دلها و عقلها می تاباند. گلشنی روح پرور و گنجینه‌های گرانبها و سرمایه ای پایان ناپذیر است .

امام باقر علیه السلام فرمود:

ص:9



شَرْقًا أَوْ غَرْبًا ، فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. (1)

به شرق و غرب جهان بروید ، هیچ دانش صحیحی نخواهید یافت، مگر آن که از ما خاندان پیامبر صادر شده است.

همواره مدیون راویان ، محدثان و عالمان گذشته شیعه ایم که با دقت و درایت و مسئولیت شناسی ، سخنان نورانی پیشوایان معصوم را ثبت و ضبط کرده و به عنوان «میراث اهل بیت» به نسل های بعدی سپرده اند.

احادیث اهل بیت علا آنگونه که خودشان فرموده اند، «نور» است.

مجموعه های حدیثی، دانشکده های صامت اما جاویدان امامان شیعه است که بشریت را آموزش غیر

ص:10

---

1- . الکافی ، کلینی، ج 1، ص 399.

حضور می‌دهد و خرسندیم که ما میراث دار این علوم و معارفیم . برای پیمودن راه صحیح زندگی و رهایی از حیرتها و ضلالتها و کج راهها، نیازمند این احادیثیم که «چراغ راه» و هدایتگر اندیشه‌ها و صفابخش دل‌ها و جانها است.

روایات پیامبر خدا ای‌اه و اهل بیت او، هم در عرصه مباحث اعتقادی برای ما «حجت» است، هم در قلمرو فقه و تبیین احکام شرع و حلال و حرام الهی سند و پشتوانه است ، هم در موضوعات اخلاقی، تربیتی، تهذیب نفس، پند و موعظه ، سرشار از حکمت و بینش و هدایت است و اگر مردم با احادیث نورانی خاندان عصمت و طهارت آشنا شوند ، دل در گرو محبت و اطاعت آنان می‌نهند، همانگونه که حضرت رضا علی فرمود: *إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا*

ص: 11

اگر مردم خوبی‌ها و زیبایی‌های سخن ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند.

بر این اساس، آموختن، نوشتن، بیان، نشر، شرح و تبیین، حفظ و تعلم احادیث اهل بیت، کاری است ارزشمند و در راستای حفظ و گسترش فرهنگ اهل بیت.

کتاب حدیثی شیعه، همچون دریایی عمیق و مواج پر از گهرهای نفیس است. برای بهره‌گیری از ذخایر این اقیانوس ژرف و پرگهر، باید به غواصی در دل آن پرداخت و لؤلؤ و مرجانهایی به دست آورد و به نسل امروز و مشتاقان عرضه کرد.

چهل حدیث نویسی، یکی از گام‌های ارزشمند در نشر و تشریح احادیث عترت پاک نبوی است که

ص: 12

عالمان از دیرباز به آن مبادرت می ورزیدند و جامعه را از معنویت آثار اهل بیت بهره مند می ساختند. اینکه امامان فرموده اند: هر کس چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، در روز قیامت فقیه و دین شناس برانگیخته می شود، هم پشتمانه چنین حرکت علمی و فرهنگی است، هم ما را به ضرورت حفظ احادیث آنان آگاه می کند. چه حفظ به معنای به حافظه سپردن باشد، چه ثبت و ضبط و جلوگیری از فراموش شدن و از بین رفتن باشد و چه به معنای حفظ در عمل. به هر حال، تشویقی است برای رویکرد به معارف اهل بیت که در کلمات نورانی آنان نهفته است.

امروز، نیاز جامعه به آشنایی با فرهنگ ناب اهل بیت، بیش از هر زمان احساس می شود. عطش و استقبال هم که مردم از خود نشان میدهند، ضرورت ارائه و عرضه کلمات خاندان عصمت را در قالبی روان،

سهل الوصول و متناسب با اقشار مختلف علاقه مند، روشن تر نشان می‌دهد و به همین دلیل، مراکز و مؤسسات و اشخاصی به نشر «چهل حدیث» می‌پردازند. انتشارات زائر آستانه مقدسه در راستای نشر معارف و احادیث پیشوایان دین اقدام به چاپ این اثر با موضوع صلوات کرده است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

انتشارات زائر آستانه مقدسه

ص: 14

## اشاره:

تردیدی نیست که صلوات کامل همان است که همه مسلمانان، در تشهد نماز به ادای آن می پردازند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ».

صلوات در پیشگاه خدا دارای اهمیت و جایگاه خاصی است و پرداختن به آن آثار ارزنده را در بر دارد. می توان گفت صلواتی که با شرایط لازم بر زبان آید، اعجاز می کند، حلال مشکلات بوده و دست آدمی را

ص: 15

در زندگی می‌گیرد. صلوات، دل را به سوی عالمی مصفاً و به دور از هرگونه تیرگی به پرواز در می‌آورد. مایه تطهیر جان آدمی گشته، برکات فراوانی را از آسمان رحمت بر آدمی نازل می‌سازد. هم‌چنین صلوات مایه تقرب آدمی به درگاه خدا گشته، باعث جلب نظر اولیای الهی و خلیفگان خدا نسبت به آدمی می‌شود.

این نوشته، درصدد بیان تأثیرات مثبت و اعجاز‌آمیز ذکر «صلوات» است. در فصل اول صلوات کامل و ناقص مورد بحث قرار می‌گیرد و در فصل دوم سخن از اهمیت صلوات به میان می‌آید. در فصل سوم به برخی از مهم‌ترین آثار اعجاز‌آمیز صلوات اشاره می‌شود. در فصل چهارم موارد و جلوه‌های مختلف اهتمام به صلوات، مورد توجه قرار می‌گیرد. و در خاتمه، به حکمت تأکید بر صلوات نیز اشاره می‌شود.

## صلوات کامل و ناقص کدام است؟

صلوات کامل، همان است که در تشهد نماز به آن می پردازیم و همه مسلمانان به آن اهتمام می ورزند.

استاد بزرگوارم علامه ملایی، صاحب کتاب پر ارج «جامع احادیث الشیعه» ضمن نقل خاطرات سفر حج خود به نگارنده گفت: روزی امام جماعت کنار کعبه را دیدار کردم. مردی باوقار و خوش برخورد بود. خود را معرفی کردم. خیلی مرا مورد لطف و احترام خود قرار داد. در ضمن حرف ها، به او گفتم: «چرا شما گاهی از نثار صلوات بر آل رسول صلی الله علیه و آله خودداری می کنید؟» پاسخ داد: «صلوات بر محمد و آل او در تشهد نماز، بر همگان واجب است، ولی در غیر این مورد ذکر آل واجب نیست، بلکه مستحب است. لذا گاهی عملاً رعایت

ص: 17



نمی شود.» گفتیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ این سؤال که چگونه صلوات بفرستیم فرمود: قُولُوا: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ. و افزودم: در دستور العمل پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره «آلِ مُحَمَّدٍ» مورد توجه است و استثنایی در کار نیست تا در غیر نماز بدون ذکر آل محمد اشکال نداشته باشد. هم چنین آن حضرت از صلوات «بِتْرَاء» نهی به عمل آورده است. «بِتْرَاء» عبارت

است از صلوات بدون ذکر آل محمد. (1)

او با تعجب به من نگریست و گفت: «در کجا؟» گفتم: «در صحیح بخاری (2). آن جا که آیه «اِنَّ اللّٰهَ»

ص: 18

---

1-1. ر.ک: جواهر الکلام، ج 10، ص 255 و 256.

2-2. چهل حدیث درباره صلوات، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی؛ ر.ک: پرورش روح، ج 2، بخش صلوات. و نیز جهت اطلاع بیشتر از احادیث باب صلوات مراجعه شود به کتاب تزکیه بر نفس نوشته شفعی مازندرانی از منشورات دفتر فرهنگ اسلامی، تهران.

وَمَلَايَكْتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (1) را تبیین می کند.»

گفت: «امشب به آن کتاب (2) مراجعه می کنم. اگر چنین باشد، من از این به بعد آن را رعایت می کنم.»

گفتم: «من ظهر فردا همین جا منتظر شما هستم.» روز بعد او کمی دیر آمد. بدون مقدمه نگاهی به من کرد و در حالی که با دست خود به من اشاره می کرد، گفت: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و رفت. معلوم شد که حدیث مذکور را در کتاب نامبرده یافته است.

در جواهر الکلام، ج 10، ص 262 می خوانیم:

ص: 19

---

1-3. احزاب، آیه 56.

2-4. ر.ک: صحیح، ج 6، ص 27؛ ر.ک: الصواعق المحرقة، ص 87؛ كشف الغمه، ج 1، ص 194.

آن چه به عنوان واجب، در تشهد نماز به چشم می خورد، عبارت است از «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و اجماع اهل نظر بر آن منعقد می باشد و بقیه مستحب خواهد بود و کسی که به ذکر آل محمد، در صلوات نپردازد، نماز او باطل است.

شافعی، امام فرقه شافعیه در باب وجوب صلوات بر اهل بیت علیهم السلام و اهمیت آن این چنین سرود:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْفَضْلِ أَنْتُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ (1)

ای اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستی و محبت به شما از واجباتی است که در قرآن به چشم می خورد

ص: 20

و عظمت و گران سنگی شما همین بس، که اگر کسی به شما درود نفرستد، نماز او باطل است.

\*\*\*

در حدیث آمده است: زید بن خارجه می گوید: «از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردم که چگونه در پیشگاه خدا طلب حاجت کنم؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «بر من صلوات بفرستید و در دعا کوشا باشید.» و افزود: این چنین بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»<sup>(1)</sup> در این دستور العمل، چگونگی صلوات کامل را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاطر نشان کردند.

آن چه مورد عنایت پروردگار حکیم می باشد،

ص: 21

---

1-2. عن زید بن خارجه: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: «صَلُّوا عَلَيَّ وَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ وَ قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (سنن نسائي، ج 3، ص 49؛ السنن الكبرى، ج 1، ص 383).

صلوات کامل است نه صلوات ناقص. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که بر من صلوات بفرستد ولی بر آل من صلوات نفرستد، بوی بهشت را استشمام نمی کند».<sup>(1)</sup>

زیرا صلوات ناقص مورد نهی و نکوهش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می باشد. چنان که آن حضرت فرمود: صلوات ناقص برای من منظور ندارید و «صلوات بترأء» را کنار بگذارید.<sup>(2)</sup>

امام باقر علیه السلام به مردی که دست به خانه خدا نهاده و صلوات ناقص ادا می کرد و می گفت: «اللهم صلّ علی محمد» نگریست و فرمود: «ای مرد، صلوات را ناقص ادا نکن و در حق ما ستم روا مدار. بگو: اللهم صلّ

ص: 22

---

1-3. أمالی صدوق، ص 267، ح 291؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 203، ح 9117: قال النبی صلی الله علیه و آله: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ أَلَى لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ».

2-1. ر.ک: صحیح بخاری، ج 6، ص 27؛ الصواعق المحرقة، ص 87.

صلوات بترأء، یعنی صلوات بدون ذکر آل محمد صلی الله علیه و آله در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است. لکن این مسأله (عدم ذکر آل) در صلوات، گاهی جنبه سیاسی داشته است. از جمله در تاریخ یعقوبی آمده است:

«کان ابن الزبیر - و هو عبدالله - كثير البغض لعلی بن أبی طالب، تحامل علیهم تحاملاً شديداً وأظهر لهم العداوة والبغضاء حتى بلغ منه أن ترك الصلاة على محمد في خطبته، فقيل له: لم تركت الصلاة على النبي؟ فقال: إن له أهل سوء

يشربون لذكركه ويرفعون رؤوسهم إذا سمعوا به».

عبدالله زبیر، چهل روز در خطبه نماز جمعه، صلوات را ترک کرده بود. هنگامی که راز آن را از او جویا شدند، گفت: «ناچارم هنگام صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آل او هم درود بفرستم. بر این اساس صلوات بر

ص: 23

---

1-2. وسائل الشیعه، ج 7، ص 202، حدیث 9112: قال الصادق علیه السلام: «سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ وَهُوَ يَقُولُ: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ: لَا تَبْتَرْهَا وَلَا تَطْلِمْنَا حَقًّا، قُل: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

مخالفان اهل بیت کینه خود را در برابر خط امامت در حذف کلمه «آل محمد صلی الله علیه و آله» هنگام صلوات ابراز می کردند و در این رابطه نامه هایی که از اهالی این خط بر جای مانده است گویای همین مسأله می باشد. ابن ابی الحدید، اندیشمند معروف اهل سنت، در کتاب خود (شرح نهج البلاغه) نامه های مختلفی از این دو جناح، پیروان خط سقیفه و پیروان خط امامت را متذکر گشته است. در نامه های خط سقیفه، هنگام صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله کلمه «آل» به چشم نمی خورد (2)، ولی در نامه های گروه دوم، صلوات بر آل

ص: 24

---

1-1. تتمه المنتهی، ص 77؛ أمالی مفید، ص 347، ح 2؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 261.

2-2. شرح نهج البلاغه، ج 5، ص 13 و 95، چاپ اسماعیلیان، تهران.

زمخشری در ذیل آیه: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ» (1) می نویسد: طبق مفاد این آیه، صلوات بر

همه مسلمین رواست. به نظر ایشان صلوات بر مردم عادی جایز است تا چه رسد بر آل محمد. [و ما معنی صلاتهم؟ قلت: هی قولهم: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (2)]

ملاحظه کردید که حذف کلمه «آل محمد» در صلوات، جنبه سیاسی دارد، وگرنه همان گونه که هر دو گروه در تشهد نماز ناچارند تا صلوات را به طور کامل ادا

ص: 25

---

1-3. احزاب، آیه 43.

2-1. تفسیر کشف، ج 3، ص 546 (دار الکتب العربی). «إِنَّهُ يُجَوِّزُ بِمُقْتَضَىٰ هَذِهِ الْآيَةِ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَىٰ أَحَادِ الْمُسْلِمِينَ لَكِنْ لَمَّا اتَّخَذَتْ الرَّافِضَةُ ذَلِكَ فِي أُمَّتِهِمْ مَنَعْنَاهُ».



کنند، باید در غیر نماز نیز صلوات را کامل «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»<sup>(1)</sup> بر زبان داشته باشند. حتی افرادی چون ابن تیمیہ (که در زمان ما وهابیان جلوه مکتب فکری او هستند) تحقیقی پیرامون حقوق اهل بیت علیهم السلام داشته که در نتیجه آن، ذکر «آل» را در صلوات لازم می داند، گرچه وهابیان، به آن عمل نمی کنند.<sup>(2)</sup>

ص:26

- 
- 1-2. الصواعق المحرقة، ص 146؛ جلاء الافهام، ص 346؛ صحیح بخاری؛ ج 6، ص 151؛ سنن نسائی، ج 3، ص 49.  
2-3. کتابی تحت عنوان حقوق آل البيت عليهم السلام به یادگار مانده است.

### رفع حسرت با صلوات

محفل و مجلسی که در آن ذکر صلوات در کار نباشد، عامل حسرت برای صاحب خود خواهد بود.

[ 1 ] «عن الصادق علیه السلام قال: مَا اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَمْ يَذْكُرُونَا إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

امام صادق علیه السلام فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در هر مجلسی که ذکر خدا و یاد خدا نباشد و صلوات بر من فرستاده نشود، آن مجلس برای اهلس، مایه حسرت و وبال خواهد

البته برای صلوات فرستادن دل و زبان باید یکی باشد؛ یعنی در حال غفلت، زبان مشغول ذکر صلوات نباشد، بلکه با تمرکز حواس مشغول صلوات باشد.

هنگام فرستادن صلوات باید به گونه ای عمل کرد که گویی پیامبر حاضر است و مستقیماً به آن حضرت سلام می کنیم.

از سفیان ثوری پرسیدند: يوم الحسرة کدام روز است که حق تعالی می فرماید: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ».

«بترسان ایشان را از روز حسرت». سفیان جواب داد: آن روز، قیامت است و حسرت همه خلق را فرو خواهد

ص: 28

گرفت. زیرا نیکان حسرت می خورند که چرا از این بیش تر نیکی نکردیم و بدها حسرت می خورند که چرا به سلوک راه حسنات مشغول نگشتیم. از او پرسیدند: «ای شیخ، آیا کسی خواهد بود که در آن روز حسرت نداشته باشد؟» گفت: «آری، کسی که در این دنیا مدام بر رسول خدا صلوات فرستاده باشد، در روز قیامت حسرت چیزی را نمی خورد.»

ص: 29

ذکر مورد توجه در داخل خانه خدا، عبادت است از صلوات بر «محمد و آل محمد». در حدیث می خوانیم:

[ 2 ] «عن عبدالسلام بن نعیم قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: إني دخلت البيت و لم يحضرني شيء من الدعاء إلا الصلاة على محمد و آل محمد، فقال عليه السلام: «أما أنه لم يخرج أحدًا بأفضل مما خرجت به».

عبدالسلام بن نعیم می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «داخل خانه کعبه شدم و هیچ دعایی به خاطر نیامد، مگر صلوات بر رسول خدا.» آن حضرت فرمود: «هیچ کسی از کعبه بیرون نیامده است که عملش از عمل تو بهتر باشد.»<sup>(1)</sup>

ص:30

راز تعیین مهر السنة زنان چیست؟ در احادیث آمده است:

[ 3 ] «عن الحسين بن خالد قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن مهر السنة كيف صار خمسمائة درهم؟ فقال عليه السلام: «إنَّ الله تبارك و تعالی أوجب علی نفسه ألاَّ یكْبِرهُ مؤمن مائة تكبيرة و یسْبِحه مائة تسبیحة و یحمده مائة تحميدة و یهلله مائة تهلیلة و یصلی علی محمد و آله مائة مرة ثم یقول: اَللّٰهُمَّ زَوِّجْنِيْ مِنَ الْحُوْرِ الْعَيْنِ اِلَّا زَوَّجَهُ اللهُ عزوجل إلى نبيّه صلى الله عليه و آله أن سنّ مهوّر

المؤمنات خمسمائة درهم، ففعل ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله.

از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند: سبب چیست که مهر زنان در شریعت 500 درهم قرار داده شده است. فرمود: خداوند بر خود واجب گردانیده است که هر مؤمنی که 100 مرتبه الله اکبر، 100 مرتبه سبحان الله، 100 مرتبه الحمد لله و 100 مرتبه لا اله الا الله بگوید و سپس 100 مرتبه بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرستد و بعد از آن بگوید: **اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعَيْنِ**، حور العین را به او تزویج نماید و علت این است که مهر زنان را 500 درهم قرار داده است. [\(1\)](#)

ص:32

---

1-2. کافی، ج 5، ص 376؛ المحاسن، ج 2، ص 313، ح 30؛ علل الشرائع، ج 2، ص 499، ح 2؛ عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 90، ح 26.

## تقارن صلوات با ذکر خدا

هرگاه نام خدا بر زبان آمد باید ذکر صلوات نیز بر زبان باشد. در حدیث آمده است:

[ 4 ] «وَسَأَلَ الْإِمَامَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّيْ» فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

از امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّيْ» فرمود: مراد از این آیه این است که هرگاه نام پروردگار متعال [الله] بر زبان آمد، بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله درود و صلوات فرستاده شود. (1)

ص: 33

---

1-1. کافی، ج 2، ص 495، ح 18؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 201.



حضور ملائکه در مجالسی که در آن ذکر صلوات مورد توجه باشد، به گونه ای چشم گیر خواهد بود. در حدیث آمده است:

[ 5 ] «عن النبی صلی الله علیه و آله : إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَمْرُونَ عَلَى حَلْقِ الذِّكْرِ فَيَقُومُونَ عَلَى رُؤْسِهِمْ وَيَبْكُونَ لِبِكَائِهِمْ وَيُؤْمِنُونَ عَلَى دُعَائِهِمْ - إِلَى أَنْ قَالَ - فَيَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُمْ: أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کاروانی از فرشتگان به امر پروردگار در جهان حرکت می کنند و هنگامی که به جلسه ذکر و صلوات

می رسند، به یکدیگر می گویند: فرود آییم. زمانی که پیاده می شوند، اهل جلسه را هنگام دعا با ذکر آمین، یاری کرده و نیز اهل جلسه را هنگام صلوات کمک و همراهی می کنند. در پایان به یکدیگر می گویند: خوشا به حال افراد این جلسه که خدا آنان را آمرزید. [\(1\)](#)

ص: 35

---

1-1. وسائل الشیعه، ج 7، ص 231، ح 92؛ جواهر الکلام، ج 10، ص 255؛ عدة الداعی، ص 241؛ بحار الانوار، ج 72، ص 468.

چگونگی دعا کردن و فراهم آوردن استجاب دعا را می توان از طریق توجه به صلوات به دست آورد.

[ 6 ] «عن الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَيَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتْ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ».

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حاجتی دارد باید اول، صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد و بعد از آن، حاجت خود را بخواهد و در آخر دعا، دوباره صلوات بفرستد. زیرا خدا کریم تر از آن است که دو طرف دعا را قبول کند و وسط دعا را قبول نکند و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله مانع های استجاب دعا را بر طرف می کند. (1)

ص: 37

---

1-2. کافی، ج 2، ص 494، ح 16؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 95، ح 8833؛ بحار الانوار، ج 90، ص 316.

[ 7 ] روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علی علیه السلام در میان نخلستان نشسته بودند که زنبور عسلی دور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شروع به چرخیدن کرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی! می دانی این زنبور چه می گوید؟» حضرت علی علیه السلام فرمود: «خیر.» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این زنبور ما را مهمان کرده و می گوید: یک مقدار عسل در فلان محل گذاشتم. امیر مؤمنان علیه السلام را بفرستید تا آن را از آن محل بیاورد. امیر مؤمنان علیه السلام بلند شد و عسل را از آن محل آورد. حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای زنبور! غذای شما که از شکوفه گل تلخ است، به چه علتی آن شکوفه به عسل شیرین

تبدیل

می شود؟» زنبور گفت: «یا رسول الله! شیرینی این غسل از برکت وجود مقدس شما و (آل) شماست. چون هر وقت از شکوفه استفاده می کنیم، همان لحظه به ما الهام می شود که سه بار بر شما صلوات بفرستیم. وقتی که می گوئیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (1) به برکت صلوات بر شما غسل ما شیرین می شود.»

## حکایت

برخی از اهل سنت، صلوات را برای غیر از پیامبر

جایز ندانسته و آن را جسارت به مقام نبوت به حساب می آورند. بر اساس همین نگرش، هنگامی که شهید معروف علامه قاضی نور الله تستری، صاحب کتاب احقاق الحق در موقع ذکر نام امیرالمؤمنین علیه السلام کلمه

ص: 39

«عليه الصَّلَاة والسَّلَام» را بر زبان آورد، بر ضد او بسیج شدند و به اصطلاح جهت دفاع از پیامبر!! به پاخاستند و فتوای مباح بودن خون وی را صادر کردند آنان در این باره طوماری تنظیم کردند و از بعضی امضاء گرفتند که یکی از علمای بزرگ اهل سنت هندوستان از امضای آن خودداری نمود و زیر آن طومار این شعر را نوشت :

گر لَحْمُكَ لَحْمِي ز حَدِيثِ نَبِيِّ هِي كِي، صَلَّى عَلِيَّ عَلِيَّ بِي ادبِي هِي

جمع آوران امضا و متصدیان آن ، طومار را به دربار برده تا نظر شاه را نیز جهت قتل او (صاحب احقاق الحق) به دست آورند. هنگامی که شاه طومار را ملاحظه کرد و چشمش به این بیت افتاد از اعدام علامه چشم پوشید. [\(1\)](#)

ص: 40

---

1-1. زندگی علامه شوشتري، ص 71.

برترین ذکر الهی، صلوات بر محمد و آل اوست که در احادیث آمده است:

[ 8 ] «عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نُعَيْمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي دَخَلْتُ الْبَيْتَ وَلَمْ يَحْضُرْنِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا

الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ! فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَخْرُجْ أَحَدٌ بِأَفْضَلٍ مِمَّا خَرَجْتَ بِهِ».

عبدالسلام (بن عبدالرحمن) بن نعیم می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من داخل کعبه شدم و دعایی به خاطر



نیامد ، جز صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد . امام علیه السلام فرمود: آگاه باش! مانند تو در فضیلت و ثواب کسی از  
خانه خدا بیرون نیامده است.(1)

ص:42

---

1-1. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 345؛ کافی، ج 2، ص 494، ح 17؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 193، ح 9091؛ عدة الداعی،  
ص 150؛ بحار الانوار، ج 91، ص 57، ح 34.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «لازم است بر هر یک از شما که هنگام اظهار حاجت در پیشگاه خداوند بزرگ با ستایش الهی آغاز کند و به تمجید محمد صلی الله علیه و آله و آل او پردازد و سپس به تقصیرها و گناهان خود اعتراف کند و پس از آن حاجت خود را در میان نهد» (1).

[ 9 ] «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ أَلَا أُبَشِّرُكَ؟ فَقَالَ: بَلَى يَا أَبَايَ أَنْتَ وَأُمِّي فَإِنَّكَ لَمْ تَزَلْ مُبَشَّرًا بِكُلِّ خَيْرٍ. فَقَالَ: أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ أَنفَاءً بِالْعَجَبِ قُلْتُ: مَا

ص: 43

---

1-2. پرورش روح، ج 2، ص 346؛ ر.ک: شفیعی مازندرانی، تزکیة النفس، باب الصلوات.

الَّذِي أَخْبَرَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَاتَّبَعَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَصَلَّتْ

عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ سَبْعِينَ صَلَاةً وَإِنَّهُ لَمُذْنِبٌ خَطَاءٌ ثُمَّ تَحَاتُّ عَنْهُ الذُّنُوبُ كَمَا تَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: لَبَّيْكَ يَا عَبْدِي وَسَعْدَيْكَ يَا مَلَائِكَتِي أَنْتُمْ تَصَلُّونَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ صَلَاةً وَأَنَا أُصَلِّي عَلَيْهِ سَبْعِمِائَةً صَلَاةً فَإِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَلَمْ يَتَّبِعِ الصَّلَاةَ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي كَانَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ السَّمَاءِ سَبْعُونَ حِجَابًا وَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا لَبَّيْكَ يَا عَبْدِي وَلَا سَعْدَيْكَ يَا مَلَائِكَتِي لَا تُصْعِدُوا دُعَاءَهُ إِلَّا أَنْ يُلْحِقَ بِنَبِيِّ عَثْرَتَهُ فَلَا يَزَالُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُلْحِقَ (بِي) أَهْلَ بَيْتِي».

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «آیا می خواهی شما را مؤذنه ای دهم؟» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بفرما، پدر و مادرم قربانت! شما که پیوسته مبشر به خیر و خوبی ها

بوده اید.» فرمود: جبرئیل به تازگی برای من خبر خوشی آورده است. خبر این است که هرکدام از امت من هنگامی که بر من صلوات فرستند، اگر نام اهل بیت را نیز ملحق سازند؛ درهای آسمان جملگی برای پذیرفتن دعا و عبادت او گشوده گردد و فرشتگان هفتاد بار درود بر وی بفرستند و این خود محو کننده جرم و گناهان است آن گاه گناهان چون برگ درختان از او بریزد و خداوند تعالی فرماید: «لیبک» تو را پذیرفتم، خجسته و مسعود باشی!

سپس به فرشتگان گوید: شما هفتاد بار بر وی درود فرستادید و من هفتصد بار؛ لیکن اگر تنها بر من صلوات بفرستد و اهل بیت را ملحق نسازد میان دعای او و آسمان، هفتاد حجاب حایل باشد و خداوند جل و جلاله

فرماید: لا لیبک. (1)

ص: 45

---

1-1. أمالی الصدوق، ص 679 و 676، ح 916؛ ثواب الاعمال، ص 157؛ روضة الواعظین، ص 232؛ بحار الانوار، ج 91، ص 56.

امام جعفر صادق علیه السلام از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند:

[ 10 ] «اَزْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنَّفَاقِ».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: صلوات ها را با صدای بلند ادا نمایید، زیرا موجب از بین رفتن نفاق می گردد. (1)

ص: 46

---

1-2. اصول کافی، ج 2، ص 494، ح 3؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 192، ح 9088؛ ثواب الاعمال، ص 159؛ بحار الانوار، ج 91، ص 59، ح 41.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

[ 11 ] «الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنَّفَاقِ».

صلوات و درود بر من و خاندان من نفاق را از بین می برد. (1)

هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هرکه حاجتی از خدای عز و جل داشته باشد، باید با صلوات بر محمد و آتش آن را آغاز کند و سپس حاجت خود را بخواهد و باز هم در پایان، صلوات بر محمد و آتش بفرستد؛ زیرا خداوند عز و جل از آن کریم تر است که دو طرف را بپذیرد و میانه را وانهد؛ زیرا صلوات بر محمد و آتش از او محبوب نباشد». (2)

ص: 47

---

1-3. کافی، ج 2، ص 292، ح 8؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 193، ح 9089.

2-4. اصول کافی، ج 6، ص 89.

کثرت صلوات یکی از عوامل جلب رحمت الهی است. در حدیث آمده است:

[ 12 ] «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَلَاتُكُمْ عَلَيَّ إِجَابَةٌ لِدُعَائِكُمْ وَزَكَاةٌ لِأَعْمَالِكُمْ».

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات فرستادن شما بر من باعث روا شدن حاجت های شماست و خدا را از شما راضی کرده و اعمال شما را پاکیزه می گرداند. (1)

ص: 48

---

1-1. أمالی طوسی، ص 215، ح 375؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 96، ح 8837؛ بحار الانوار، ج 91، ص 54، ح 22.

امام رضا علیه السلام فرمودند:

[ 13 ] «قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكْفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا».

هرکس نتواند کفاره گناهانش را بپردازد، باید بر محمد و آلش درود فراوان بفرستد؛ چون آن صلوات گناهان را منهدم می سازد. (1)

ص: 49

---

1-2. مصابیح الدجی، ص 419؛ عیون أخبار الرضا، ج 2، ص 265، ح 52؛ أمالی صدوق، ص 131، ح 123؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 194، ح 9093.



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

[ 14 ] «من صلی علی فی کتاب لم تزل الملائكة تستغفر له مادام اسمی فی ذلك الكتاب».

هرکس در نوشته ای بر من درود فرستد، تا زمانی که نام من در آن نوشته موجود باشد، فرشتگان پیوسته برای او آمرزش می طلبند. (1)

ص: 50

---

1-1. بحار الانوار، ج 91، ص 71؛ منیة المرید، ص 347.

ای فرشتگان من! دعای او را به آسمان نبرید تا این که اهل بیت پیغمبرش را نیز در فرستادن درود با پیغمبر ملحق سازد. پس هم چنان دعایش پذیرفته نگردد و به آسمان نرود، تا بر اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز سلام و درود بفرستند. [\(1\)](#)

## فرشتگان حامل صلوات

صلوات مورد توجه ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در حدیث آمده است:

[ 15 ] «عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَاللَّهِ عَلَيْهِ صَلَاتِي وَآلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ أُسَدَّهَا سَبْعُونَ مَلَكًا يُبَلِّغُونَهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ صَاحِبِهِ».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرکس بر پیغمبر و آل

پیغمبر در هر روز صد بار صلوات بفرستد، هفتاد فرشته او را در میان گیرند و آن صلوات را برای رساندن به رسول الله صلی الله علیه و آله از رفیق خود سبقت می گیرند». [\(2\)](#)

ص: 51

---

1- 2. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 350 - 351.

2- 1. بحار الانوار، ج 91، ص 63، ح 52.

گرچه انفاق، در همه جا، مورد ستایش است، لکن در شب و روز جمعه بیش تر مورد تأکید می باشد.

[ 16 ] «الْصَّدَقَةُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَهَا بِأَلْفٍ وَ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بِأَلْفٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ يَحُطُّ اللَّهُ فِيهَا أَلْفًا مِنَ السَّيِّئَاتِ وَ يَرْفَعُ فِيهَا أَلْفًا مِنَ الدَّرَجَاتِ».

امام صادق علیه السلام فرمودند: صدقه دادن در شب جمعه و روز آن و نیز «صلوات» (درود فرستادن بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او) در شب جمعه و روز آن، برابر هزار حسنه است و هزار سیئه به وسیله آن نابود می شود و هزار درجه بر مقام آدمی افزوده می شود. (1)

ص: 52

---

1-2. جمال الاسبوع، ص 183؛ المقنعه، ص 156؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 413، ح 9729؛ روضة الواعظین، ص 333.

[ 17 ] هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ما من عمل أفضل يوم الجمعة من الصلاة على محمد و أهل بيته».

هیچ عملی در روز جمعه، برتر از صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله نیست. (1)

ابن ابی عمیر گوید: حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام پرسید: «افضل اعمال در روز جمعه کدام است؟» ایشان فرمود: «یک صد بار صلوات بر محمد و آل محمد بعد از نماز عصر و هرچه بر آن بیفزایی بهتر

ص: 53

---

1-3. وسائل الشیعه، ج 7، ص 380؛ روضة الواعظین، ص 392؛ بحار الانوار، ج 56، ص 27، ح 8.

خواهد بود.»

احمد بن خالد برقی می گوید: در روایتی که عبدالله بن سیابه و ابو اسماعیل، از ناحیه یکی از این دو امام ابو جعفر باقر یا ابو عبدالله صادق علیه السلام نقل کرده و فرمود: چون نماز جمعه به جای آوردی بگو:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

خداوند برای تو یک صد هزار حسنه بنویسد و یک هزار گناه از نامه عملت محو سازد و یک صد هزار حاجت را برای آن روا کند و یک صد هزار درجه مقامت را بالا برد. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

ص: 54

---

1-1. تهذیب، ج 3، ص 19؛ أمالی الصدوق، ص 484، ح 656؛ روضة الواعظین، ص 323.

«أكثرُوا الصلاة علىَّ يوم الجمعة فإنه يوم مشهود تشهده الملائكة، وإن أحداً لا يصلّي على إلا عرضت علىَّ صلواته حتّى يفرغ منها».

در روز جمعه بسیار بر من صلوات و درود بفرستید که آن روزی است که فرشتگان آن را می بینند و هیچ کس

بر من صلوات و درود نمی فرستد، جز آن که درود وی بر من عرضه می شود. (1)

ص: 55

---

1-1. وسائل، ج 7، ص 380؛ كنز العمال، ج 1، ص 488، ح 2140؛ الجامع الصغير، ج 1، ص 208، ح 1403؛ كشف الخفاء، ج 1، ص 167.

ذکر صلوات، مایه ثبات دل در صراط پاکدامنی و طهارت دل می گردد. در حدیث آمده است:

[ 18 ] «إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فُلْيَاتِ أَهْلِهِ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى فَلَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ عَلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا لِيَصْرَفَ بَصَرَهُ عَنْهَا فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَيَحْمَدُ اللَّهَ كَثِيرًا وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ يُنْتَجِحُ لَهُ مِنْ رَأْفَتِهِ مَا يُغْنِيهِ».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هنگامی که زنی نظر یکی از شما را جلب کرد، باید به همسر خود روی آورد و بداند که

زنان همه از یک مقوله اند. او نباید شیطان را بر دل خود مسلط سازد و اگر همسر ندارد، دو رکعت نماز بخواند و سپس به حمد الهی و صلوات بر محمد و آل او پردازد و از خدا بخواهد تا با رحمت و فضل خود، وی را استغنائی باطنی ببخشد و گره از کارش باز کند. (1)

ص: 57

---

1-2. نورالثقلین، ج 3، ص 589؛ الخصال، ص 637.



## سنگین ترین عمل در قیامت

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فرمودند:

[ 19 ] «أَثْقَلُ مَا يُوضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ».

سنگین ترین عملی که روز قیامت در ترازوی (اعمال) گذاشته می شود، درود بر محمد و اهل بیت اوست. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى

ص: 58

---

1-1. وسائل الشیعه، ج 7، ص 197؛ قرب الاسناد، ص 14، ح 45؛ بحار الانوار، ج 91، ص 49، ح 9.

در قیامت هیچ عملی برتر و گرامی تر از صلوات بر محمد و آل او نیست. (1)

ص: 59

---

1-2. وسائل الشیعه، ج 4، ص 28.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

[ 20 ] «أَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ ثَقُلَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَيَّ حَسَنَاتِهِ جِئْتُ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ حَتَّى أُثْقَلَ بِهَا حَسَنَاتِهِ».

من در قیامت نزد میزان اعمال می باشم. هر کس کفہ گناهانش افزون تر از حسناتش شود، آن صلوات هایی را که بر من فرستاده بیاورم و بر حسناتش بیفزایم تا بر گناهانش فزون آید. (1)

ص:60

---

1-3. همان، ص 195؛ ثواب الاعمال، ص 155؛ مکارم الاخلاق، ص 312؛ بحار الانوار، ج 7، ص 304، ح 72.

[ 21 ] از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که:

«أَكْثَرُهَا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ نُورٌ فِي الْجَنَّةِ».

بر من بسیار درود بفرستید؛ چرا که درود فرستادن بر من، برای درود فرستنده نوری است در قبر، نوری است بالای صراط و نوری است در بهشت. (1)

ص: 61

---

1-1. مستدرک، ج 5، ص 323؛ بحارالانوار، ج 79، ص 64.

## نور پل صراط

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

[ 22 ] «الصَّلَاةُ عَلَيَّ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ».

درود فرستادن بر من، نوری است بر روی صراط. (1)

## مهمان پیامبر در بهشت

مهمان پیامبر در بهشت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«در روز قیامت، اول کسی که حُلَّةٔ بهشت پوشد، پدر

ص: 62

---

1-2. همان؛ کنز العمال، ج 1، ص 490، ح 2149؛ میزان الاعتدال، ج 2، ص 74، ح 2881؛ لسان المیزان، ج 2، ص 481.

من ابراهیم است و کرسی برطرف راست عرش نهند و او را بر آن نشانند و بعد از آن مرا حله پوشانند و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در پیش روی من بایستد، و تمام امت در عقب سر من بایستند، با تفاوت درجات و هر بنده ای که در عقب هر نماز فریضه، ده مرتبه بر من و آل من صلوات فرستد، او را نزد من جای دهند و مرا ببیند و من او را ببینم و روی او - مانند شب چهارده - تابان باشد. [\(1\)](#)

ص: 63

---

1-1. وسائل، ج 7، ص 328.

صلوات در امت های پیش از اسلام

[ 23 ] وقتی که حضرت موسی علیه السلام در کوه طور با حضرت باری تعالی مناجات نمود، خدای متعال به او فرمود:

«ای موسی! بر تو باد که از کبر دوری کنی و گردن کشی ننمایی؛ چرا که اگر همه خلائق دنیا، یک ذره کبر داشته باشند، جای آن ها را دوزخ قرار خواهم داد و به عذاب دردناک گرفتار می نمایم؛ اگرچه تو باشی یا ابراهیم خلیل و یا فرزندان اسماعیل باشد.

ای موسی! اگر می خواهی به تو زیاد نزدیک شوم و

ص: 64

از تورا می شوم، زیاد صلوات بر حبیب من، محمد بفرست، که صلوات فرستادن بر او موجب رفعت تو می شود.

سپس موسی علیه السلام بر محمد و آلش صلوات فرستاد و خداوند هم لوح شش گانه ای به او اهدا نمود و فرمود:

«ای موسی! لوح را بردار!»

موسی علیه السلام آن را برآشت و عرض کرد: «خداوندا، این محمد کیست که من با صلوات فرستادن به او نزدیک می شوم؟» ندا آمد: «ای موسی! بدان که اگر به خاطر محمد صلی الله علیه و آله و آلش نبود تو را نمی آفریدم و تو باید به فضل و کرامت فراوانی که به او داده ای معترف شوی.»

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! مرا دوست دارید یا محمد را؟» خطاب رسید: ای موسی تو را منزلت و کلیم بودن است و برای محمد منزلت

ص: 65



و دوستی است. اکنون بدان که دوست عزیزتر است از سخن گو و بدان که مناجات تو با من در طور سیناست و مناجات محمد با من در عرش است: «دَنِي فَتَدَلِّي فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (1).

هم چنین در احادیث آمده است:

خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

یا موسی! من در وقت سخن گفتن با توده هزار گوش به تو دادم تا توانستی کلام مرا بشنوی و ده هزار زبان به تو ارزانی داشتم تا بتوانی جواب مرا بدهی. با این همه عنایاتی که به تو کردم، هر وقت که بر حبیب من محمد، صلوات بفرستی در نزد من محبوب تر می شوی. (2)

ص: 66

---

1-1. سراج القلوب، ص 87.

2-2. لمعات الانوار، ص 33.

در ذیل تفسیر آیه «وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ» آمده است:

[ 24 ] «وَكَانَ مِنْ عَذَابِهِمُ الشَّدِيدِ أَنَّهُ كَانَ فِرْعَوْنُ يُكَلِّفُهُمْ عَمَلَ الْبِنَاءِ عَلَى الطِّينِ وَيَخَافُ أَنْ يَهْرَبُوا عَنِ الْعَمَلِ فَأَمَرَ بِتَقْيِيدِهِمْ وَكَانُوا يَنْقُلُونَ ذَلِكَ الطِّينَ عَلَى السَّلَالِيمِ إِلَى السُّطُوحِ فَرُبَّمَا سَقَطَ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ فَمَاتَ أَوْ زَمِنَ لَا يَخْفَلُونَ بِهِمْ إِلَى أَنْ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْ لَهُمْ لَا يَبْتَدِئُونَ عَمَلًا إِلَّا بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ لِيَخْفَ عَلَيْهِمْ فَكَانُوا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ فَيَخْفُ عَلَيْهِمْ».

بنی اسرائیل با ذکر صلوات بر محمد و آل او، از مشکلات و دشواری های فرعون، از سختی و بیگاری هایی که از سوی عمال فرعون مقرر شده بود، نجات می یافتند. بنی اسرائیل بر اثر کار اجباری فرعون، از پای در می آمدند، تا آن که از سوی خدا، به موسی وحی شد که به آنان (بنی اسرائیل) صلوات بر محمد و آل محمد را تعلیم داده تا موجب تخفیف در سختی های آنان شود. (1)

آری! دقت در موارد فوق نشان می دهد که ذکر صلوات به عنوان ذکر حیات بخش در دوران پیش از اسلام می درخشید.

ص: 68

---

1-1. پرورش روح، ج 2، ص 353؛ تزکیة النفس، باب الصلوات؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص 343؛ بحارالانوار، ج 13، ص 47؛ ج 91، ص 61.

گرچه داستان مقتول بنی اسرائیل که سرانجام آن به خریدن گاوی منجر گشته و عاقبت آن مسأله مستور و پشت پرده ای را بر ملا ساخته است، به گونه های

مختلفی در تفاسیر و احادیث مربوطه به چشم می خورد که یکی از آن ها عبارت است از این حدیث که:

[ 25 ] «قتل شخص فی بنی اسرائیل و لم يعلم قاتله، فأمرهم الله أن يذبحوا بقرة، و هذه البقرة لها صفات خاصّة و نادرة و لم تكن إلاّ عند شاب من بنی اسرائیل أراه الله عزّ و جلّ في منامه محمّداً و عليّاً و طیبی ذریّتهما، فقالا له: إنك كنت لنا ولياً محبباً و مفضلاً،

و نحن نريد أن نسوق إليك بعض جزائك فى الدنيا، فإذا راموا شراء بقرتك فلا تبعها إلا بأمر أمك، فإن الله عزّ وجلّ يلقنها ما يغنيك به و عقبك.

ففرح الغلام ، و جاءه القوم يطلبون بقرته، فقالوا بكم تبيع بقرتك هذه؟ قال: بدينارين، و الخيار لأُمى. قالوا: قد رضينا بدينار فسألها، فقالت: بأربعة. فأخبرهم، فقالوا: نعطيك دينارين. فأخبر أمه، فقالت: بثمانية.

فما زالوا يطلبون على النصف ممّا تقول أمه، و يرجع إلى أمه، فتضعف الثمن حتى بلغ ثمنها ملء مسك ثور، أكبر ما يكون ملوء دنانير، فأوجب لهم البيع. ثم ذبحوها، و أخذوا قطعة و هى عجز الذنب الذى منه خلق ابن آدم، و عليه يركب إذا أعيد خلقاً جديداً، فضربوه بها، و قالوا اللهم بجاه محمد و آله الطيبين لما أحيت هذا الميت، و أنطقته ليخبرنا عن

ص:70

فقام سالماً سوياً وقال: يا نبي الله قتلني هذان ابنا عمي، حسداني على بنت عمي فقتلاني، وألقياني في محلة هوءاء لياخذنا ديتي منهم.

فأخذ موسى عليه السلام الرجلين فقتلهما، وكان قبل أن يقوم الميِّت

ضرب بقطعة من البقرة فلم يحي، فقالوا: يا نبي الله أين ما وعدتنا عن الله عزّ وجلّ؟ فقال موسى عليه السلام: قد صدقت، وذلك إلى الله عزّ وجلّ».

در میان بنی اسرائیل، کسی را کشته بودند و قاتل او معلوم نبود . از جانب خدا مأمور شدند گاوی را بکشند که دارای صفات ویژه ای باشد؛ ولی چنان گاوی را پیدا نکردند. در حالی که جوانی از بنی اسرائیل چنین گاوی داشت، ولی آنان اطلاع نداشتند. شبی در خواب به آن جوان الهام می شود که چون تو بر محمد و آل محمد صلوات می فرستی، جزای تو را در این دنیا به تو

می‌رسانیم. در خواب، به جوان بنی اسرائیلی الهام می‌شود که گروهی از بنی اسرائیل روزی جهت خریدن گاو سراغ تو می‌آیند. شما گاو را نمی‌فروشی، مگر به امر مادرت و اگر چنین کنی ثروت بسیاری برای خود و فرزندانانت به دست می‌آید.

آن جوان از چنین خوابی شاد گردید. وقتی صبح شد گروهی از بنی اسرائیل به منزل آن جوان آمدند که گاوش را بخرند.

باب گفتگو شروع شد و به جوان گفتند که گاو را چند می‌فروشی. گفت: «دو دینار، ولی اختیارش دست مادرم می‌باشد.» گفتند! ما یک دینار می‌خریم.» آن جوان با مادر خود مشورت کرد. مادرش گفت: «به چهار دینار بفروش.» جوان گفت: «مادرم می‌گوید چهار دینار.» خریداران گفتند: «ما دو دینار می‌خریم.» جوان

دوباره با مادر مشورت کرد که مادرش گفت: «صد دینار.»

خریداران گفتند: «ما پنجاه دینار می خریم.» آن چه خریداران راضی می شدند، مادر قیمت گاورا بالاتر می برد. تا آن جا که گفت: «باید پوست گاورا از طلا پر سازند.»

گاورا خریدند و کشتند. استخوان بیخ دم او را گرفتند و بر آن مرده زدند و گفتند: «خداوندا! به حق محمد و آل طیبین او علیهم السلام مرده را زنده گردان و به سخن درآور تا ما را خبر دهد که کی او را کشته است.»

ناگاه آن کشته به امر و اذن خداوند به برکت قسم ها و ذکر صلوات بر محمد و آل او صلی الله علیه و آله، صحیح و سالم برخاست و به موسی علیه السلام عرض کرد: «ای پیغمبر خدا! این دو پسر عموی من بر من حسد بردند و به خاطر دختر عمویم مرا کشتند. بعد از کشتن، مرا در محله این گروه انداختند که دیه مرا از ایشان بگیرند.» پس موسی علیه السلام آن دورا کشت و آن گاه خدا پوست آن



گاورا آن چنان گشاد و بزرگ کرد تا آن که از پنج هزار اشرفی پر شد.

سپس بعضی از بنی اسرائیل گفتند: نمی دانیم که کدام عجیب تر است: زنده شدن این مرده به اذن خدا یا به سخن درآمدن صاحب این گاو؟ پس وحی آمد: ای موسی، به بنی اسرائیل بگو که هرکه از شما می خواهد که من زندگانی او را در دنیا نیکو گردانم و در بهشت محل او را عظیم سازم و او را در آخرت با محمد و آل

طیبین او صلی الله علیه و آله هم صحبت نمایم، مثل این جوان عمل کند. به درستی که این جوان از موسی علیه السلام شنیده بود ذکر محمد و آل طاهرین او چقدر پر ارج است و پیوسته برایشان صلوات می فرستاد و ایشان را از جمیع خلائق انس و جن و ملائکه جدا می دانست و به این سبب مال عظیمی برایش میسر شد.

سپس جوان به موسی علیه السلام گفت: «ای پیغمبر خدا،

حالا- من چگونه این همه مال را حفظ کنم؛ با بودن این همه دشمنان و این همه حسودان.» حضرت موسی در جواب می فرمود: بخوان برای این همه مال، صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله چنان چه بیش از این می خواندی . همان اعتقاد درست تو برای صلوات بود و به برکت همان صلوات ها بود که این همه مال گران قیمت به دست تو آمد. پس به ذکر صلوات هایت ادامه بده، تا خدای بزرگ و قادر و توانا این مال تو کند، خدا ضرر او را رفع نماید. «در این وقت آن جوان زنده شد. چون این سخنان موسی علیه السلام و جوان صاحب گاو را شنید تشویق شد که از حضرت موسی کمک بگیرد و گفت: خداوندا، تقاضا می کنم از تو به آن چه این جوان از تو تقاضا نمود، از صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد و متوسل شدن به انوار مقدسه ایشان، که مرا باقی بداری در دنیا که برخوردار شوم از دختر عموی خود و خوارگردانی دشمنان و حسودان مرا و خیر زیادی به

سبب صلوات بر محمد و آل محمد به من عطا کنی. پس از آن از سوی خدا به موسی گفته شد که این جوان را به برکت تو تسلیم به انوار مقدّسه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله ، 130 سال عمر دادم که در این مدت صحیح و سالم باشد و در قوای او ضعفی حادث نشود. از زوجه خود، دختر عمویش بهره مند گردد و چون این مدت منقضی شود ، هر دو را با یکدیگر از دنیا می برم و در بهشت خود جا می دهم که در آن جا متنعم باشند.

سپس از خدا وحی آمد : «ای موسی! اگر کشنده این جوان از من مثل تقاضایی که این جوان کرده می نمود و متوسل به انوار مقدّسه محمد و آل محمد می شد و از عمل خود توبه می کرد و از من می خواست که رسوایش نکنم، او را رسوا نمی کردم و اذهان و خاطر بنی اسرائیل را از پیدا کردن قاتل دور می کردم . اگر بعد از رسوایی توبه می کردند و

متوسل به انوار مقدّسه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله می شد، عمل او را از خاطره های مردم بیرون می بردم و در دل اولیای مقتول می انداختم که از قصاص او بگذرند.»

بعد از مدتی، آن قبیله بنی اسرائیل که گاوا را خریداری کرده بودند، نزد حضرت موسی علیه السلام آمدند و گفتند: «ای موسی! ما با لجاجت، خود را به پریشانی مبتلا نموده ایم و تمام اموالمان را به بهای گاوا از دست دادیم. پس دعا کن خداوند روزی ما را زیاد فرماید.»

موسی علیه السلام فرمود: وای بر شما! مگر نشنیدید دعای آن جوان را و آن مقتول زنده شده را؟ مگر ندیدید چه فایده ها بر دعاهای این ها (صلوات بر محمد و آل محمد) می کردند؟ پس شما نیز متوسل به ذکر صلوات و درود بر محمد شوید.»

آن گاه گروه بنی اسرائیل متوسل به ذکر صلوات و

درود بر محمد و آل محمد شدند و خدا را قسم به محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله دادند تا اینکه فقر و احتیاجشان برطرف شود. سپس خدا به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود که بگو به ایشان که بروند به فلان خرابه و فلان موضع را بشکافند که در آن جا ده هزار دینار هست. بردارند و هرچه را که از هرکسی گرفته اند رد نمایند و زیادی را میان خود تقسیم کنند تا اموالشان چند برابر گردد. (1)

ص: 78

---

1-1. ر.ک: صلوات کلید حل مشکلات، ص 83.

بنی اسرائیل که به وسوس ساری، مرتد گشته بودند، به عملیات توبه روی آورده بودند که عبارت بود از این که در جایی تاریک با شمشیر آخته به کشتن یکدیگر می پرداختند که قاتل و مقتول به بهشت راه یابند. پس از اعلام قبولی آن توبه از سوی خدا هرکس که زنده می ماند گناه آنها بخشوده می شد.

[ 26 ] راوندی در کتاب قصص الانبیاء(1) می نویسد: قوم موسی کلیم بر اثر متابعت از «سامری» از خط حق،

ص:79

---

1-2. قصص الانبیاء، ص 170 - 171.

فاصله گرفته بودند . آنان از سامری سؤال کرده بودند :

«آیا این گوساله خداست؟» پاسخ داد: مگر شجر با موسی سخن نگفت؟ این گوساله بسان آن شجره است.

سامری کسی را گماشته بود تا به گونه ای ماهرانه به دور از چشم مردم در گوساله می دمید و در آن سخن می گفت ، ولی مردم گمان می کردند که خداست که از طریق گوساله حرف می زند . این قوم ششصد هزار نفر بودند که فقط دوازده هزار نفر آنان در صراط حق، باقی مانده و بقیه، به «سامری» گرویده بودند . سرانجام از کار خود پشیمان گشته ، دست از ارتداد خود کشیدند و به عملیات «توبه» تن دادند و به عنوان تجلی توبه با شمشیر آخته، به جان یکدیگر افتادند. آنها به امر موسی دست به کشتن یکدیگر زدند . و وقتی که از این عمل به ستوه

ص:80

آمدند، به توسل به «پنج تن» اهلبیت اسلام علیهم السلام دست زدند آنان با حالت ناله و زاری در هنگام توسل این چنین، در پیشگاه خدا دعا کردند: «یا رَبَّنَا بِجَاهِ مُحَمَّدٍ، الْأَكْرَمِ وَبِجَاهِ عَلِيِّ الْأَفْضَلِ الْأَعْلَمِ وَبِجَاهِ فَاطِمَةَ الْفُضِّلَى وَبِجَاهِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَبِجَاهِ الذَّرِّيَةِ الطَّيِّبِينَ مِنْ آلِ طه وَياسينَ لَمَّا غَفَرْتَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَغَفَرْتَ هَفَوَاتِنَا وَارْزَلْتِ هَذَا الْقَتْلَ عَنَّا». در این هنگام از آسمان به موسی کلیم ندا رسید که آنان دست از قتل بکشند. (یعنی توبه آنان پذیرفته شد).



[ 27 ] روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راهی عبور می کرد. شیطان را دید که خیلی ضعیف و لاغر شده است. از او

پرسید: «چرا به این روز افتاده ای؟» گفت: «یا رسول الله! از دست امت تو رنج می برم و در زحمت بسیار هستم.» پیامبر فرمودند: «مگر امت من با تو چه کرده اند؟»

گفت: یا رسول الله! امت شما شش خصلت دارند که من طاقت دیدن و تحمل این خصایص را ندارم.

اول این که هر وقت به هم می رسند سلام می کنند.

دوم این که با هم مصافحه می کنند.

ص: 82

سوم آن که هرکاری را می خواهند انجام دهند انشاء الله می گویند.

چهارم آن که استغفار از گناهان می کنند.

پنجم این که تا نام شما را می شنوند صلوات می فرستند.

ششم آن که ابتدای هر کار بسم الله الرحمن الرحيم می گویند.

ص: 83

در احادیث آمده است که:

[ 28 ] «عَنْ أَبِي عَلْقَمَةَ قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصُّبْحَ ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْنَا فَقَالَ: مَعَاشِرَ أَصْحَابِي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَمِّي حَمْرَةَ بِنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ أَخِي جَعْفَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ... فَدَنَوْتُ مِنْهُمَا فَقُلْتُ: يَا أَبِي أَنْتُمَا أَيُّ الْأَعْمَالِ وَجَدْتُمَا أَفْضَلَ؟ قَالَا: فَدَيْنَاكَ بِالْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ وَجَدْنَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الصَّلَاةَ عَلَيْكَ وَ سَقَى الْمَالَ وَ حُبَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

ابو علقمه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نماز صبح رو

به ما کرد و فرمود: اصحاب من! دیشب عمویم حمزه و برادرم جعفر (طیار) را در خواب دیدم. به آن دو نزدیک شدم و گفتم: «پدر و مادرم فدایتان، کدام عمل را برتر یافتید؟»

پاسخ دادند: پدر و مادر ما فدایت، ما صلوات بر تو، تشنه را سیراب کردن و محبت علی بن ابی طالب علیه السلام را برترین اعمال یافتیم. [\(1\)](#)

ص: 85

---

1-1. مناقب خوارزمی، ص 74، ح 53؛ مدینه المعاجز، ج 3، ص 35، ح 698؛ بحار الانوار، ج 39، ص 274.

گرچه در فصل پیش راجع به اولین منبر و آمین گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله حدیثی را ذکر کردیم، ولی در اینجا نیز به ذکر حدیثی می پردازیم که در آن حال و هوا می باشد. این حدیث عبارت است از:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَمَنْ أَدْرَكَهُ - شَهْرُ رَمَضَانَ - فَلَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ... وَ مَنْ ذَكَرْت عَنْده فَلَمْ يَصَلِّ عَلَيَّ فَلَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ».

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند هرکه ماه رمضان را درک کند و آمرزیده نشود، خدا او را دور می گرداند و هرکه در نزد او مذکور شوم و بر من صلوات نفرستد، آمرزیده نشود و خدا نیز او را دور گردانیده است. [\(1\)](#)

ص: 86

در کتاب ثواب الاعمال و امالی شیخ صدوق مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای که برای ماه مبارک رمضان خواند فرمود:

[ 29 ] «قال النبي صلى الله عليه وآله : وَ مَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ ثَقَّلَ اللَّهُ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخِفُّ الْمَوَازِينُ».

هرکه بر من در این ماه فراوان صلوات بفرستد، حق تعالی ترازوی اعمال او را سنگین می گرداند در روزی که ترازوی اعمال سبک باشد. (1)

ص: 87

---

1-1. بحارالانوار، ج 94، ص 52، روایت 17؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 266، ح 53؛ أمالی الصدوق، ص 155، ح 149؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 314، ح 13494.

گرچه در هر زمانی صلوات فرستادن نیکوست، لکن در بعضی از اوقات، دارای پاداشی ویژه است. از آن جمله صلوات در شب و روز مبعث رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

[ 30 ] «الْحَسَنُ بْنُ رَاشِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدٌ غَيْرَ الْعِيدَيْنِ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا حَسَنُ أَعْظَمُهُمَا وَ أَشْرَفُهَا قُلْتُ لَهُ: وَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: يَوْمٌ نُصِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ عَلِمَ لِلنَّاسِ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيهِ قَالَ تَصُومُهُ يَا حَسَنُ وَ تُكثِرُ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ لَا تَدْعُ

صِيَامَ يَوْمِ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ فَإِنَّهُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ النُّبُوءَةُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَوَابُهُ مِثْلُ سِتِّينَ شَهْرًا لَكُمْ».

حسن بن راشد گفت: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا غیر از اعیاد مشهوره، عید دیگری نیز هست؟» فرمود: شریف ترین و کامل تر از همه آن ها روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مبعوث گردید.

عرض کردم: «آن روز، کدام روز بود؟» فرمود: «آن روز شنبه بیست و هفتم ماه رجب بود.» عرض کردم: «در آن روز، چه عملی باید به جای آورد؟» فرمود: روزه می گیری و صلوات بسیار بر محمد و آل محمد می فرستی. (1)

\*\*\*

ص: 89

---

1-1. کافی، ج 4، ص 149 و 149، ح 1؛ مصباح المتهجد، ج 736؛ ثواب الاعمال، ص 74؛ من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 90، ح 1816.



1. صدقه زبان

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در جمع صحابه خود فرمود:

[ 31 ] «ألا و تقرّبوا إلى الله بالطاعات يجزل لكم المثوبات، وقصّروا أعماركم في الدنيا بالتعرّض لأعداء الله في الجهاد لتنالوا طول أعمار الآخرة في النعيم الدائم الخالد، وابدلوا أموالكم في الحقوق اللازمة ليطول غناؤكم في الجنة.

فقام ناس فقالوا: يا رسول الله نحن ضعفاء الأبدان قليلو الأموال لا نفى بمجاهدة الأعداء ولا تفضل

ص: 90

أموالنا عن نفقات العيالات، فماذا نصنع؟

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ألا فليكن صدقاتكم من قلوبكم وألسنتكم.

قالوا: كيف يكون ذلك يا رسول الله؟ قال صلى الله عليه وآله : أما القلوب فتقطعونها على حبّ الله وحبّ محمد رسول الله وحبّ علي وليّ الله ووصيّ رسول الله وحبّ المنتجبين للقيام بدين الله وحبّ شيعتهم ومحبيهم وحبّ إخوانكم المؤمنين والكفّ عن اعتقادات العداوات والشحناء والبغضاء.

وأما الألسنة فتطلقونها بذكر الله تعالى بما هو أهله والصلاة على نبيّه محمد وآله الطيبين فإنّ الله تعالى يبلغكم أفضل الدرجات وينيلكم به المراتب العاليات».

بيامبر اكرم صلى الله عليه وآله فرمودند: ای مردم! با اطاعت خدا،

ص: 91

به خدا نزدیک شوید تا این که خداوند شما را به خیر برساند . اسارت های خود را در دنیا کم کنید و متعرض دشمنان خدا شوید و در جنگ شرکت کنید تا اعمال شما در قیامت زیاد شود و از مال های خودتان در حقوق لازم انفاق کنید.

در این حال، مردم بلند شدند و عرض کردند: «ای رسول خدا! بدن ما ضعیف است و مال و منالی هم نداریم که بذل و بخشش کنیم، پس چه کنیم؟» حضرت فرمودند: «صدقات قلبی و زبانی بدهید.»

باز مردم سؤال نمودند: «چگونه صدقه بدهیم؟»

حضرت فرمودند: صدقات قلبی، این است که قلبتان را با محبت خدا و محمد، رسول خدا و علی، ولی خدا، و همه کسانی که برای قیام در راه دین خداوند انتخاب شده اند (ائمه معصومین علیهم السلام) و محبت شیعه آن ها و

ص: 92

کسانی که از دوست داران شیعیان هستند را در دلتان ایجاد کنید. اما صدقات زبان، این است که مشغول به ذکر خداوند باشید و صلوات بر محمد و آتش بفرستید، زیرا خداوند شما را به واسطه این اعمال به بهترین درجات می‌رساند. [\(1\)](#)

ص: 93

---

1-1. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص 447 و 448؛ مدینة المعاجز، ج 1، ص 455؛ بحار الانوار، ج 9، ص 325.

## 2. بخیل ترین مردم

[ 32 ] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّ ابْخِلَ النَّاسِ مِنْ ذَكَرْتِ عِنْدَهُ وَ لَمْ يَصِلْ عَلَيَّ».

بخیل ترین مردم کسی است که نام من نزد او برده شود و آن شخص صلوات نفرستد. (1)

ص: 94

---

1-2. حدیث 1 تا 5 کنز العمال، 2147، 2149، 2153، 2243 و 2144 (حدیث 5، بحار، ج 94، ص 55)؛ تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 520؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 59، ص 335.

### 3. هنگام بوییدن گل

یکی از مواردی که صلوات فرستادن مورد تأکید قرار گرفته است، هنگام بوییدن گل است. در احادیث آمده است:

[ 33 ] «عن مالک الجهینی قال: ناولت أبا عبد الله الصادق عليه السلام: شَيْئاً مِنَ الرِّيحِ حِينَ فَأَخَذَهُ فَشَمَّهُ وَوَضَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ: مَنْ تَنَاوَلَ رِيحَانَةً فَشَمَّهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ

قَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمْ تَقْعُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ».

مالک می گوید: گلی به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم، گرفتند و بوییدند و بر هر دو دیده گذاشتند. پس

فرمودند: هرکه گلی را بگیرد و ببوید و بر دیده‌ها بگذارد و بگوید:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ هَنُوزَ بِرِزْمِیْنِ نَکْذَاشْتَهٗ بِاَشْدِّ؛ گناهانش آمرزیده می‌شود. (1)

ص: 96

---

1- 1. آثار و برکات صلوات، ص 53؛ روضة الواعظین، ص 327؛ وسائل الشیعه، ج 2، ص 171، ح 1849؛ بحار الانوار، ج 92، ص 347، ح 2.

هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

[ 34 ] «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يَصَلِّ عَلَى آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ».

کسی که بر من صلوات بفرستد ولی بر آل من صلوات نفرستد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد. (1)

ص: 97

---

1-2. أمالی صدوق، ص 267، ح 291؛ وسائل الشیعه، ج 7، ص 203، ح 9117؛ بحار الانوار، ج 8، ص 186، ح 150.



[ 35 ] «مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ أَخْطَأُ طَرِيقَ الْجَنَّةِ».

کسی که صلوات بر من را فراموش کند، راه بهشت را گم کرده است. (1)

یعنی درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله چنان ارجمند است که فراموش کننده آن از مسیر آسان بهشت دور می گردد یا آن که فراموش کردن ذکر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله باعث فراموشی دستورات آن حضرت شده و انسان را از مسیر بهشت دور می سازد.

ص: 98

---

1-3. أمالی صدوق، ص 145، ح 236؛ بحار الانوار، ج 91، ص 53، ح 20؛ تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 520؛ الدر المنثور، ج 5، ص 218؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 387.

#### 4. پیامبر و اولین منبر

پیامبر آمین گفت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مسجد النبی در حالی که پشت به یکی از ستون هایش داده بود، خطبه می خواند. خانمی پیشنهاد کرد که چون خواهر زاده ام نجار است منبری برای شما بسازد که مورد استقبال آن حضرت قرار گرفت. برای اولین بار که آن حضرت قدم روی پله های آن نهاد، سه بار در سه پله آن «آمین» گفت که نظر همه حضار را به خود جلب کرد.

[ 36 ] «عن جابر بن عبد الله أن النبي صلى الله عليه وآله رقى المنبر فلما رقى الدرجة الأولى قال: آمين ثم رقى الثانية فقال:

آمین، ثمّ رقی الثالثة فقال: آمین، فقالوا: یا رسول الله سمعناک تقول آمین ثلاث مرّات، قال: لَمّا رقیّت الدرّجة الأولى جاءنی جبرئیل فقال: شقی عبد أدرك رمضان فانسَلخ منه ولم یغفر له، فقلت: آمین، ثمّ قال: شقی عبد أدرك والديه أو أحدهما فلم یدخله الجنة، فقلت: آمین، ثمّ قال: شقی عبد ذکرت عنده ولم یصلّ علیک، فقلت: آمین».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد به ستونی که بعداً به عنوان ستون حنانه شهرت یافت پشت داده سخنرانی می کرد تا آن که به دست بعضی از مؤمنان، منبری ساخته شد که دارای چند پله بود. آن حضرت در اولین مرتبه ای که پای مبارک را بر پله اول منبر نهاد فرمود: «آمین.» سپس بر پله دوم پاگذارد و فرمود: «آمین.» در حال بالا رفتن به پله سوم نیز فرمودند: «آمین.» پس از پایان خطبه آن حضرت، اصحاب حاضر در مجلس از سیر آمین بدون دعا سؤال نمودند. حضرت پاسخ دادند: دعا کننده جبرئیل بود و

چون بر پله اول پانهادم دعا کرد و گفت: «هر کسی که پدر و مادر خود را درک کند ولی از راه به جهت خدمت به آنان آمرزیده نشود از رحمت خداوند، دور باد!» پس به من گفت آمین بگویم و گفتم. وقتی بر پله دوم منبر پانهادم، جبرئیل دعا کرد و گفت: «هرکس نام تو در نزد او برده شود و صلوات نفرستد و به آن حال بمیرد، به دوزخ درآید و خداوند وی را از رحمت خود دور سازد.»

پس به من گفت آمین بگویم و من گفتم. و وقتی به پله سوم پانهادم، جبرئیل گفت: «هرکسی که شب قدر و ماه مبارک رمضان را دریابد و آمرزیده نشود، از خدای متعال دور باشد.»

سپس به من گفت: بگو آمین و من نیز آمین گفتم. [\(1\)](#)

ص: 101

---

1-1. جلاء الافهام، ص 6؛ مستدرک الوسائل، ج 5، ص 352؛ مسلسل 6070؛ تفسیر الدر المنثور، ج 5، ص 217؛ الادب المفرد للبخاری، ص 140؛ المعجم الكبير للطبرانی، ج 19، ص 144؛ الدر المنثور، ج 5، ص 217؛ بحار الانوار، ج 91، ص 87.

## اعجاز صلوات و نابود شدن گناهان

[ 37 ] در بسیاری از احادیث آمده است :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «من صلى عليّ مرّة لا يبقی عليه من المعصية ذرّة؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که یک بار به گونه ای خالصانه و خدا پسند بر من صلوات بفرستد همه گناهان او در معرض غفران قرار می گیرد»<sup>(1)</sup>. البته این حدیث در منابع مختلف با تعابیر مختلفی مشاهده می شود از جمله در مستدرک الوسائل، ج 5، ص 334 آمده است: «من صلى عليّ مرّة لم يبق عليه

ص: 102

---

1-1. بحار الانوار، ج 91، ص 63.

من المعصية ذرة» همچنین در کتاب اللمعة البيضاء نوشته تبریزی انصاری، ص 492 آمده است: «من صلی علی مرة لم یبق من ذنوبه ذرة» البته در کتاب بحار الانوار، ج 91، ص 63 نیز آمده است: «من صلی علی مرة فتح الله علیه باب من العافية وقال صلی الله علیه و آله : من صلی علی مرة لم یبق من ذنوبه ذرة».

یکبار از کسی، صلواتی نثار من بنمود با صداقت و اخلاص راستین

نابود می شود همه جرم و گناه او شرط آن که حقّ ناس نباشد بدان قرین

ص: 103

[ 38 ] پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همواره ، امت را به اهتمام بر صلوات تأکید می داشت . در حدیث آمده است :

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : « من صلی علیّ مرة فتح الله علیه باب

من العافية؛ کسی که یک بار به گونه ای خالصانه و خدایسند بر من درود نثار کند پروردگار حکیم دری از تندرستی و عافیت را به روی او می گشاید». (1)

از این حدیث به دست می آید که آدمی با مشغول شدن به ذکر صلوات مورد مرحمت الهی قرار می گیرد و یکی از تجلیات مرحمت الهی تأمین سلامتی و عافیت برای آدمی است.

ص: 104

## اعجاز صلوات و اجابت دعا شد و تصفیه اعمال

[ 39 ] در حدیث از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمده است:

«صَلَاتُكُمْ عَلَيَّ إِجَابَةٌ لِدَعَائِكُمْ وَزَكَاةٌ لِأَعْمَالِكُمْ؛ صلوات شما بر من، مایه اجابت دعا و رشد و بالندگی و پاکی اعمال شماست» (1).

شاعر می گوید:

صلوات و دروهای شما مایه عزت دعای شماست

باعث پاکسازی کردار عامل رفعت سرای شماست

ص: 105

---

1-2. وسائل الشیعة، ج 7، ص 96؛ امالی طوسی، ص 215.



[ 40 ] در برخی از احادیث آمده است که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله : افضل است بر دعای در حق خودت «الصلاة على النبي افضل من الدعاء لنفسه» (1).

ص: 106

---

1- 3 . اللمعة البيضاء، ص 492.

حکمت تأکید صلوات

پاسخ به یک پرسش

چرا پرداختن به ذکر صلوات در فرهنگ اسلامی مورد تأکید فراوان است؟

پاسخ: اولاً صلوات درود برتر است و صلوات بهترین راه اظهار ادارت به پیشگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام است و ازین راه متقابلاً آدمی چه در دنیا و چه در آخرت، مورد عنایت آنان قرار می گیرد.

ثانیاً: صلوات «ذکر اکبر» است و در پیشگاه الهی

ص: 107

دارای جایگاه ویژه ای می باشد که آدمی با پرداختن به صلوات به خدا نزدیک شده و آبروی خاصی به دست می آورد.

ثالثاً: صلوات، مایه توجه کردن قلب آدمی به انسان های برتر و محبوب درگاه خداست. بدیهی است آنگاه که قلب آدمی متوجه کسی باشد در واقع آدمی نوعی ارتباط قلبی با او برقرار کرده است و این ارتباط که به نوبه خود، نوعی مجالست با آن طرف، محسوب می شود تأثیر خاصی را در قلب آدمی بر جای می نهد. در واقع آدمی از راه صلوات، هم نشین با پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، علی مرتضی امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و سایر آل محمد صلی الله علیه و آله گشته، لحظاتی را در محضر آنان به سر می برد و دقایقی را با آنان سپری می کند که این بسیار

ص: 108

رابعاً: ذکر صلوات آدمی را به دیار محبوبان درگاه خدا می برد و آدمی از این راه از چنگ احساس غربت و نیز احساس بی پشتوانگی آزاد می شود و احساس می کند که با کسانی در ارتباط است که در روز دشوار و موارد خطر، دست وی را می گیرند. بر این اساس همواره، در زندگی احساس غرور و توانمندی کرده، هنگام بروز ناملازمات دچار اضطراب و آشفتگی نمی شوند.

علامه نهایندی در کتاب خزینة الجواهر حکمت هایی را درباب صلوات ذکر می کند. او می نویسد:

1. حکمت اول در صلوات حق تعالی بر آن حضرت آن است که به امت بفهماند که حق تعالی با وجود

بی نیازی و استغنائی ذاتش، بر آن حضرت صلوات می فرستد. پس مؤمنان با حاجت به شفاعت آن حضرت علیه السلام اولی هستند که صلوات بر آن جناب بفرستند.

2. حکمت دیگر صلوات این است که امت، ادای بعضی از حقوق آن حضرت را کرده باشند.

3. حکمت دیگر آن است که روح انسان به واسطه

ضعف، استعداد قبول انوار الاهیة را ندارد، مگر وقتی که یک سنخیت میان خود و ارواح انبیا ایجاد کند تا انوار فایضه از عالم غیب بر ارواح انبیا منعکس بر وی شود و استحکام علاقه ایشان به روح مقدّس نبوی صلی الله علیه و آله به واسطه استفاضه انوار مقدس، موقوف به واسطه صلوات است که بر آن حضرت می فرستد. این جاست که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ص: 110

«نزدیک ترین افراد به من در روز قیامت کسی است که بیش تر بر من صلوات بفرستد».

4. حق تعالی چون به رسول خود صلوات فرستاد، یعنی این که بزرگان خود را فراموش نکرد «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ» تا بدانید وقتی که در دنیا به صلوات یاد کرد، فردا نیز در قیامت امید آن است که به رحمت و مغفرت نیز یاد کند و ما را به برکت آن حضرت، فرو نگذارد. (1)

### نتیجه

نتیجه ای که از توجه به مطالب این نوشته و اهتمام به «ذکر برتر الهی» یعنی صلوات به دست می آید آن است که:

ص: 111

---

1-1. خزينة الجواهر، ص 111.

الف) ذکر از جمله ذکر صلوات، همواره از عوامل تقویت ایمان به خدا بوده و مایه توجه انسان به پروردگار متعال می شود.

ب) برخوردار شدن از الطاف گران سنگ الهی، روش هایی دارد که ذکر صلوات آسان ترین آن ها است.

ج) از راه توجه به ذکر صلوات است که آدمی از اعجاز مختلف ذکر صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله برخوردار می گردد.

د) پرداختن به ذکر الهی، از جمله صلوات را باید در جامعه به ویژه برای نسل جوان ترویج کنیم.

1. قرآن کریم
2. احتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (548 هـ) دار النعمان، نجف اشرف، 1386 هـ.
3. اختصاص، شیخ مفید (413 هـ) جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، 1414 هـ.
4. اربعین البلدانیة، ابن عساکر (571 هـ) دار الفكر المعاصر، بیروت، 1411 هـ.
5. اربعین، شیخ بهائی (1031 هـ) دفتر نشر نوید اسلام، قم، چاپ سوم.
6. ارشاد القلوب، الحسن بن ابی الحسن دیلمی (قرن 8 هجری) دار الاسوة، تهران، چاپ اول، 1417 هـ.
7. اعلام الدین، الحسن بن الحسن دیلمی (قرن 8 هجری)، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، 1408 هـ.
8. اقبال الاعمال، سید ابن طاووس (664 هـ) دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، 1414 هـ.



9. الادب المفرد، محمد بن اسماعيل بخارى (256 هـ) مؤسسة الكتب الثقافية، بيروت، چاپ اول، 1406 هـ.
10. الارشاد الى سبيل الرشاد، القاسم بن محمد بن على (1029 هـ) دار الحكمة اليمانية صنعاء، چاپ اول، 1417 هـ.
11. الأمالى، شيخ صدوق، (381 هـ)، بنياد بعثت، قم، چاپ اول، 1417 هـ.
12. الأمالى، شيخ طوسى، (460 هـ)، بنياد بعثت، قم، چاپ اول، 1414 هـ.
13. الأمالى، شيخ مفيد، (413 هـ)، جامعه مدرسين حوزة علميه، قم، 1403 هـ.
14. بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، (1111 هـ)، مؤسسة الوفاء بيروت، چاپ دوم، 1403 هـ.
15. بداية والنهاية، ابن كثير (774 هـ) دار احياء التراث العربى، بيروت، 1408 هـ.
16. بشارة المصطفى، محمد بن أبى القاسم طبرى (قرن 6 هجرى) مؤسسة النشر الاسلامى، قم، چاپ دوم، 1422 هـ.
17. پرورش روح، سيد محمد شفيعى مازندرانى، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.

18. تاريخ اليعقوبى، احمد بن جعفر بن وهب (284 هـ) دار صادر، بيروت.

19. تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر (571 هـ) دار الفكر، بيروت، 1415 هـ.

20. تأويل الآيات، شرف الدين حسيني استر آبادى (قرن 10 هجرى)، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، 1407 هـ.

21. تنمة المنتهى، شيخ عباس قمى، انتشارات

بصيرتى قم.

22. تحف العقول، ابن شعبة حزانى، (قرن 4 هجرى)، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، چاپ دوم، 1404 هـ.

23. تفسير ابن كثير، اسماعيل بن كثير دمشقى (774 هـ) دار المعرفة، بيروت، 1412 هـ.

24. تفسير الاصفى، مولا محسن فيض كاشانى، (1091 هـ)، سال چاپ 1353 هـ.

25. تفسير الامام العسكرى، امام حسن بن على عسكرى عليه السلام، (260 هـ) مدرسة الامام المهدي، قم، چاپ اول، 1409 هـ.

26. تفسير الدر المنثور، جلال الدين سيوطى (911 هـ) دار المعرفة، بيروت، چاپ اول، 1365 هـ.

ص: 115

27. تفسير القرآن العظيم، ابن ابي حاتم رازى، (327 هـ)، المكتبة العصرية، بيروت، 1419 هـ.
28. تفسير الكشاف، جار الله محمود بن عمر زمخشرى (538 هـ) مصطفى البابى الحلبى، مصر، 1385 هـ.
29. تفسير الكنز الدقائق، ميرزا محمد مشهدى، (1125 هـ) چاپخانه علميه، قم، 1409 هـ.
30. تفسير ثعلبى، ثعلبى، (875 هـ)، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ اول، 1418 هـ.
31. تفسير جوامع الجامع، شيخ طبرسى، (قرن 6 هجرى)، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، چاپ اول، 1418 هـ.
32. تفسير صافى، مولى محسن فيض كاشانى، (1091 هـ)، مؤسسة الاعلمى، بيروت، چاپ اول، 1406 هـ.
33. تفسير عياشى، محمد بن مسعود عياشى، (320 هـ)، المكتبة الاسلامية، تهران.
34. تفسير فخر الرازى، فخر الدين محمد بن عمر رازى، (606 هـ)، المطبعة البهية، مصر.
35. تفسير فرات، فرات بن ابراهيم كوفى، (352 هـ)، وزارت ارشاد اسلامى، تهران، چاپ اول، 1410 هـ.

36. تفسير قرطبي، محمد بن احمد انصاري قرطبي، (671 هـ)، دار احياء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم، 1405 هـ.
37. تفسير نسقي، علاء الدين علاء بغدادى، (725 هـ) دار الفكر، بيروت.
38. تفسير نور الثقلين، عبد على بن جمعه عروسى حوزى، (1112 هـ) مؤسسه اسماعيليان، قم، چاپ چهارم، 1412 هـ.
39. تفسير تبيان، شيخ طوسى، (460 هـ)، مكتب الاعلام الاسلامى، قم، چاپ اول، 1409 هـ.
40. تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين، ابو البدر محسن بن كرامة جشمى بيهقى، (494 هـ) مركز الغدير، قم، 1420 هـ.
41. توحيد، شيخ صدوق، (381 هـ)، جامعه مدرسين حوزه علميه، قم.
42. تهذيب الاحكام، شيخ طوسى (460 هـ) دار الكتب الاسلاميه، تهران، چاپ چهارم، 1365 ش.
43. ثاقب فى المناقب، ابن حمزة محمد بن على طوسى، (قرن 6 هجرى)، مؤسسه انصاريان، قم، چاپ اول، 1411 هـ.

44. ثواب الاعمال، شيخ صدوق، (381 هـ)، منشورات شريف رضى، قم، چاپ دوم، 1368 ش.
45. جامع الاحاديث الشيعه، آيت الله العظمى سيد حسين بروجردى، المطبعة العلمية، قم، 1399 هـ.
46. جامع السعادات، محمد مهدي نراقى، (1209 هـ) مؤسسة الاعلمى، بيروت، چاپ چهارم.
47. جامع الصغير، جلال الدين سيوطى (911 هـ) دار الفكر، بيروت، چاپ اول، 1401 هـ.
48. جلاء الافهام، ابن قيم جوزيه (751 هـ) القاهرة، 1972 م.
49. جمال الاسبوع، سيد ابن طاووس (664 هـ) اختر شمال، چاپ اول، 1371 ش.
50. جواهرات السنينة، حر عاملى، (1104 هـ) مطبعة النعمان، نجف اشرف، 1384 هـ.
51. جواهر الكلام، محمد حسن نجفى، (1266 هـ) دار الكتب الاسلامية، تهران، چاپ دوم، 1365 ش.
52. خزينة الجواهر، علامه نهاوندى از انتشارات طوس
53. خصائص الائمة، شريف رضى، (406 هـ)، مجمع البحوث الاسلامية، مشهد، 1406 هـ.

54. خصال، شيخ صدوق، (381 هـ)، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، 1403 هـ.
55. دعائم الاسلام، النعمان بن محمد بن منصور  
تميمي مغربي، (363 هـ)، دار المعارف، مصر، 1383 هـ.
56. دلائل الامامة، محمد بن جرير طبري، (قرن 4 هجري)، بنياد بعثت، قم، چاپ اول، 1413 هـ.
57. ذخائر العقبي، محب الدين طبري، (694 هـ) مكتبة القدسي، القاهرة، 1356 هـ.
58. رجال الكشي، شيخ طوسي، (460 هـ) مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، 1404 هـ.
59. روضة الواعظين، محمد بن الفتال نيسابوري، (508 هـ)، منشورات شريف رضی، قم، 1396 هـ.
60. روضة، شاذان بن جبرئيل قمی، (660 هـ) مكتبة الامين، قم، چاپ اول، 1423 هـ.
61. سراج القلوب، ابو علي زين الدين بن علي معيرى.
62. سعد السعود، سيد ابن طاووس، (664 هـ)، انتشارات شريف رضی، قم، 1363 ش.
63. سفينة البحار، شيخ عباس قمی، (1359 هـ)، كتابخانه سنائی، تهران.

64. سنن الترمذی، محمد بن عیسیٰ بن سورہ ترمذی، (279 هـ)، دار الفکر، بیروت، 1403 هـ.
65. سنن الکبریٰ، أحمد بن الحسین بن علی بیهقی (458 هـ) دارالفکر، بیروت.
66. سنن أبی داود، سلیمان بن الأشعث سجستانی، (275 هـ)، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، 1410 هـ.
67. سنن دارمی، عبداللہ بن بہرام دارمی، (255 هـ)، مطبعة الاعتدال، دمشق، 1349 هـ.
68. سیدة فاطمة الزهراء، محمد بیومی، چاپخانه سفیر، اصفهان، چاپ دوم، 1418 هـ.
69. شرح الاخبار، ابو حنیفة نعمان بن محمد تمیمی، (363 هـ) مؤسسة النشر الاسلامی، قم .
70. شرح نهج البلاغه، ابن أبی الحدید معتزلی، 656 هـ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، 1378 هـ.
71. صحیح ابن حبان، علاء الدین علی بن بلبان فارسی، (739 هـ)، مؤسسة الرسالة، بیروت، چاپ دوم، 1414 هـ.
72. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، (256 هـ)، دار الفکر، بیروت، 1401 هـ.

73. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج نيسابوري، (261 هـ)، دار الفكر، بيروت.
74. صفات الشيعة، شيخ صدوق، (381 هـ)، كانون انتشارات عابدي، تهران.
75. صواعق المحرقة، ابن حجر هيثمي، چاپ مصر.
76. عدّة الداعي، أحمد بن فهد حلي، (841 هـ)، مكتبة الوجداني، قم.
77. عقد النضيد، محمد بن الحسن قمي، (قرن 7 هجري)، دار الحديث، قم، چاپ اول، 1423 هـ.
78. علل الشرايع، شيخ صدوق، (381 هـ)، المكتبة الحيدريه في النجف الاشرف، 1386 هـ.
79. عوالي اللثالي، ابن ابي جمهور احسائي، (880 هـ)، مطبعة سيد الشهداء عليه السلام، قم، چاپ اول، 1403 هـ.
79. عيون اخبار الرضا عليه السلام، شيخ صدوق (381 هـ) مؤسسه الاعلمي، بيروت، چاپ اول، 1404 هـ.
80. عيون اخبار الرضا عليه السلام، شيخ صدوق، (381 هـ)، مؤسسة الاعلمي، بيروت، چاپ اول، 1404 هـ.
81. عيون الحكم و المواعظ، علي بن محمد الليثي الواسطي، (قرن 6 هجري)، دار الحديث، قم، چاپ اول، 1376 ش.
82. غابة المرام، سيد هاشم بحراني، (1107 هـ)، دار احياء التراث العربي، بيروت، 1421 هـ.



83. غيبة، محمد بن ابراهيم نعماني، (360 هـ)، انتشارات انوار الهدى، قم، چاپ اول، 1422 هـ.
84. فصول المهمة، حر عاملی، (1104 هـ)، مؤسسة معارف اسلامی امام رضا عليه السلام، قم، چاپ اول، 1418 هـ.
85. فضائل الشيعه، شيخ صدوق، (381 هـ)، انتشارات عابدى، تهران.
86. فضائل، شاذان بن جبرئيل قمى، (660 هـ)، انتشارات زائر، قم، چاپ اول، 1381 ش.
87. فضائل صلوات
88. فلاح السائل، سيد ابن طاووس، (664 هـ).
89. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حميرى قمى، (300 هـ)، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، 1413 هـ.
90. قصص الانبياء، سيد نعمة الله الجزائرى، (1112 هـ)، انتشارات هاد، تهران، چاپ سوم، 1377 هـ.
91. قصص الانبياء، قطب الدين راوندى، (573 هـ)، مؤسسة الهادى، قم، چاپ اول، 1418 هـ.
92. كافى، محمد بن يعقوب كلينى رازى، (329 هـ)، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ سوم، 1388 هـ.

93. كامل الزيارات، ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه قمى، (368 هـ)، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، 1417 هـ.
94. كتاب المؤمن، حسين بن سعيد اهوازى، (قرن 3 هجرى)، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، 1404 هـ.
95. كشف الخفاء، اسماعيل بن محمد عجلونى، (1162 هـ)، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ سوم، 1408 هـ.
96. كشف الغمه، على بن عيسى اربلى، (687 هـ)، دار الكتاب الاسلامى، بيروت، چاپ اول، 1401 هـ.
97. كشف اليقين، علامه حلى، (726 هـ)، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، قم، چاپ اول، 1413 هـ.
98. كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، (381 هـ) مؤسسة النشر الاسلامى، قم، 1405 هـ.
99. كنز العمال، متقى هندی، (975 هـ)، مؤسسة الرسالة، بيروت، چاپ دوازدهم، 1409 هـ.
100. لسان العرب، ابن حجر عسقلانى، (852 هـ)، مؤسسة الاعلمى، بيروت، چاپ دوم، 1390 هـ.
101. لمعات الانوار
102. مائة منقبة، ابن شاذان محمد بن أحمد قمى، (413 هـ)، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، 1407 هـ.

103. مجموعة ورام، ورام بن ابي فراس مالكي اشترى، (605 هـ)، دار الكتب الاسلامية، تهران، 1388 ش.
104. محاسبة النفس، ابراهيم بن علي كفعمي، (قرن 9 هجري)، مؤسسة قائم آل محمد صلى الله عليه وآله، قم، چاپ اول، 1413 هـ.
105. محاسن، احمد بن محمد بن خالد برقي، (274 هـ)، دار الكتب الاسلامية، تهران، 1370 هـ.
106. محتضر، حسن بن سليمان بن محمد حلّي، (قرن 8 هجري)، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، 1498 هـ.
107. مدينة المعاجز، سيد هاشم بحراني، (1107 هـ) بنياد معارف اسلامي، قم، چاپ اول، 1413 هـ.
108. مزار، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، (413 هـ) دار المفيد، بيروت، چاپ دوم، 1414 هـ.
109. مستدرک علی الصحيحين، حاکم نيسابوری، (405 هـ)، دار المعرفة، بيروت.
110. مستدرک وسائل الشيعه، محقق ميرزا حسين نوري طبرسي، (1320 هـ)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، 1408 هـ.
111. مسند ابن المبارک، عبدالله بن المبارک، (181 هـ)، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ اول، 1411 هـ.

112. مسند أحمد، احمد بن حنبل، (241 هـ)، دارصادر، بيروت.
113. مسند زيد بن علي، الامام الشهيد زيد بن علي بن الحسين عليه السلام، دار مكتبة الحياة، بيروت.
114. مشكاة الانوار، ابوالفضل علي طبرسي، (قرن 7 هجري)، دار الكتب الاسلامية، تهران، چاپ دوم، 1385 هـ.
115. مصابيح الدجى
116. مصادقة الاخوان، شيخ صدوق، (381 هـ)، مكتبة الامام صاحب الزمان عليه السلام، العامه، كاظيمه، عراق، 1402 هـ.
117. مصباح الشريعة، منسوب به امام صادق عليه السلام، مؤسسة الاعلمى، بيروت، چاپ اول، 1400 هـ.
118. مصباح المتهدد، شيخ صدوق، (381 هـ)، مكتبة الامام صاحب الزمان عليه السلام، عامه، كاظيمين، عراق.
119. معارج الوصول، محمد بن يوسف زرندي، (750 هـ).
120. معانى الاخبار، شيخ صدوق، (381 هـ)، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، قم، 1361 ش.
121. معجم الاوسط، ابوالقاسم سليمان بن احمد طبرانى، (360 هـ)، دار الحرمين، 1415 هـ.
122. معجم الكبير، سليمان بن أحمد لخمى طبرانى (360 هـ) دار إحياء التراث العربى، بيروت، چاپ دوم، 1404 هـ.

123. مقنع، شيخ صدوق، (381 هـ)، مؤسسة الهادي،

قم، چاپ اول، 1415 هـ.

124. مقنعه، شيخ مفيد (413 هـ) جامعه مدرسين حوزة علميه قم، 1410 هـ.

125. مكارم الاخلاق، رضی الدين الحسن بن الفضل طبرسی، (قرن 6 هجرى)، انتشارات شريف رضی، قم، چاپ ششم، 1392 هـ.

126. مناقب ابن شهر آشوب، محمد بن على بن شهر آشوب، (588 هـ)، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، 1376 هـ.

127. مناقب الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، محمد بن سليمان كوفى، (300 هـ)، مجمع اخياء الثقافة الاسلامية، قم، چاپ اول، 1412 هـ.

128. مناقب، موفق بن أحمد بن محمد بن مكى خوارزمى (568 هـ) مؤسسه النشر الاسلامى، قم، چاپ دوم، 1411 هـ.

129. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، (381 هـ)، جامعه مدرسين حوزة علميه قم، چاپ دوم، 1404 هـ.

130. ميزان الاعتدال، محمد بن احمد بن عثمان ذهبى، (748 هـ) دار المعرفة، بيروت، چاپ اول، 1382 هـ.

ص: 126

131. نظم درر السمطين، محمد بن يوسف زرندي، (750 هـ)، مكتبة الامام أمير المؤمنين عليه السلام، اصفهان، چاپ اول، 1377 هـ.

132. نهج البلاغه، شرح محمد عبده.

133. نهج الفصاحة، ترجمه ابو القاسم پاينده، انتشارات

جاويدان، تهران.

134. وسائل الشيعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، (1104 هـ)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوم، 1414 هـ.

135. ينابيع المودة، سليمان بن ابراهيم حنفي قندوزی (1294 هـ) دار اسوه، قم، چاپ اول، 1416 هـ.

ص: 127

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

